

امامت حضرت مهدی علیه السلام وعده خداوند به مؤمنان

تاریخ پخش: ۱۳۸۶/۱/۹

بسم الله الرحمن الرحيم

«الهی انطقنی بالهدی و الهمنی التقوی»

سال ۸۶ بیننده‌ها بحث را پای تلویزیون می‌بینند، آغاز سال ۸۶ را تبریک می‌گوئیم. شبی که بحث پخش می‌شود آغاز امامت حضرت مهدی علیه السلام است. تبریک مضاعف، یک تبریک برای عید نوروز، تبریک مهمتر برای آغاز امامت حضرت مهدی.

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، اولین بحث سال ۸۶ همزمان با آغاز امامت حضرت مهدی علیه السلام.

خوب؛ کلمه امام عربی است، فارسی اش یعنی پیشوا و رهبر. نیاز به امام به همان دلیل است که ما نیاز به پیغمبر داریم. چرا پیغمبر می‌خواهیم؟ بخاطر اینکه عقل کوتاه است، وجدان کوتاه است، علم هم کوتاه است. ما باید غیر از عقل و وجدان و علم و تربیت خانوادگی، باید یک رهبر آسمانی هم داشته باشیم. حالا؛ اگر عقل کوتاه نبود این همه مردم پشیمان نمی‌شدند. اینکه همه مردم پشیمان می‌شوند پیداست طبق عقلشان کاری می‌کنند، فردا می‌فهمند فکرشان درست نبوده.

۱ - نیاز انسان به امام معصوم:

نیاز به امام؛ چون عقل، وجدان، علم، تربیت خانوادگی و اجتماعی و... اینها همه کوتاه هستند. بارها این را گفتم. عقل مثل ترازوی زرگری است. ترازوی زرگری ترازو است اما برای کشیدن غیر از طلا به درد نمی‌خورد. آهن را نمی‌شود با آن کشید. عقل خیلی مهم است، اما کوتاه است. دلیل اینکه عقل انسان کوتاه است این پشیمانی‌ها است. هر انسانی بارها و بارها پشیمان شده، پس پیداست عقلش نمی‌رسد. علم هم کوتاه است، وجدان هم کوتاه است. چون وجدان در حال تغییر و تحول است. انسان اولش اگر یک سیلی بزند در صورت یک مظلوم پشیمان می‌شود، می‌گوید چرا زدم؟ بد شد. از یک سیلی زدن پشیمان می‌شود وقتی وجدانش. بعد این چند تا گناه که کرد، وقتی گناه زیاد شد دیگر غصه هم نمی‌خورد. اولش از کشتن مرغ دستش می‌لرزد، ولی بعد آدم هم می‌کشد دستش نمی‌لرزد. پس وجدانی که از کشتن مرغ ناراحت بود، از کشتن آدم آرام می‌شود. دفعه اول که آدم سیگار می‌کشد، سرفه می‌کند، می‌گوید این چی است مردم می‌کشند، اولین سیگار بدش می‌آید، اما دو سه بار که کشید وجدانش با سیگار قفل می‌شود، دیگر از تریاک هم بدش نمی‌آید. اولین گناهی که می‌کند انسان ناراحت است، خدایا من گناه کردم. اما اگر رفیق بد، فیلم بد، نوار بد،

کتاب بد، دوست بد، این را به گناه آلوده کرد، بعدا با گناه رفیق می شود. وجدانی که از گناه ناراحت بود در اثر تکرار با گناه آشتی می کند؛ پس وجدان کافی نیست برای اینکه قابل تغییر است. از مرغ کشتن ناراحت است، از آدم کشتن ناراحت نیست، انسان می تواند وجدانش را عوض کند.

۲- وجدان بشری، برای تربیت کافی نیست:

تربیت هم همین طور است. چون تربیت ها بر اساس وجدان است. من چطور بچه ام را تربیت می کنم؟ هر چیزی را وجدانم خوشش می آید می گویم آقا جان این کار را بکن. هر چیزی را وجدانم دوست ندارد می گویم عزیزم این کار را نکن. پس بکن نکنی که به بچه ام می گویم در تربیت، بر اساس وجدان است، وجدان که لق شد، تربیت هم که بر اساس وجدان است، آن تربیت هم لق است. حالا؛ مبانی تربیت هم فرق می کند. یکی از دوستان، خوب طلبه فاضلی بوده دوازده سال هم رفته آمریکا، آخرین مراحل دکترای تعلیم و تربیت را آنجا دیده، برگشته و ما گفتیم چه خبر؟ گفت گیج هستند، گیج هستند. یک تفکر می گوید محصل محوری، مدرسه ها را دمکراسی کنید، هرچه جوان ها و بچه ها رأی دادند، معلم هم همان ها را عملی کند. یک فکر این است که نه، محصل محوری نباشد، معلم محوری باشد. هرچه معلم گفت. بالاخره حالا اختیار بدهیم به بچه ها، بچه ها هر تصمیمی گرفتند معلمین اجرا کنند یا نه، بچه ها اختیار نداشته باشند، معلم هرچه گفت انجام بدهند. قرآن چه می گوید: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، قرآن می گوید هم محصل محوری، هم معلم محوری. به چه دلیل؟ به دلیل اینکه گاهی در قرآن می بینیم از بالا به تو دستور می دهند. هم از بالا، به چه دلیل؟

۳- رابطه متقابل پیامبران و مردم:

به این دلیل که: «یا بُنَّی» (صافات/ ۱۰۲) پسر عزیزم، که می گوید؟ ابراهیم می گوید به اسماعیل. «یا بُنَّی» (یوسف/ ۵) یعقوب به بچه اش می گوید، «یا بُنَّی» (لقمان/ ۱۷) لقمان به بچه اش می گوید. یعنی گاهی از بالا ابراهیم به پسرش می گوید، لقمان به پسرش می گوید، یعقوب به پسرش می گوید. پس هم باید از بالا دستور بدهیم. هم گاهی وقت ها به بچه می گویم نظر شما چیست، «فَانظُرْ» (صافات/ ۱۰۲) نظریه بده. حضرت ابراهیم صد ساله به پسر سیزده ساله می گوید «فَانظُرْ» نظریه بده، «مَاذَا تَرَى» رأی تو چی است، تو چه می بینی؟ یعنی باید هم معلم دستور بدهد، هم نظر بچه ها را...

در قرآن هم داریم «قُلْ» به مردم دستور بده، بگو، هم داریم «شَاوِرْهُمْ» (آل عمران/ ۱۵۹) با مردم مشورت کن. یعنی هم پیغمبر به مردم دستور می دهد، هم از مردم مشورت می گیرد. چیزی را که ما راحت در قرآن هست، حالا مثلا بالاترین سطح علمی دانشگاه های دنیا گیج هستند که بالاخره مدرسه محوری یا معلم

محوری. قرآن می گوید هیچ کدام، خدای محوری. خدا می گوید هم به بچه احترام بگذار هم به بزرگ. «وقرؤا کبارکم» به بچه ها می گوید احترام بزرگ ها را بگیر، به بزرگها هم می گوید: «وارحموا صغارکم» الله اکبر چه دینی داریم، «وقرؤا» وقار، «کبار» یعنی کبیر، بزرگ های تان، بزرگ های تان را احترام بگذارید، «وارحموا» رحم کنید، محبت کنید، «صغارکم» صغیر به نظرم. دنیا گیج است، خدا را شکر ما گیج نیستیم، چون دستان را گذاشتیم در دست خالق. خالق که من را خلق کرده می داند چه خلق کرده. همیشه آن دکتری که دارو را ساخته می داند چه ساخته. ولذا می گوید این را با قاشق مرباخوری، این را با قاشق چایخوری. این کپسول شش ساعت، این کپسول هشت ساعت، این قرص چهار ساعت، این قرص دو ساعت. چون او که این را ساخته می داند چه ساخته، باید دستورش را هم خودش بدهد. خدا من را ساخته، خدا گفته این رقمی باش. کسانی که قانون خدا را کنار می گذارند، این قانون خداست، کسانی که قرآن را می گذارند کنار، می خواهند از پرفسورها و دکترها و مهندس ها و علما و دانشمندان بگیرند، هر کدام اینها حرفشان در دست خدا بود، حرفشان درست است، اگر از دست خدا در بیاید، یا بر اساس وجدان خودش حرف می زند که وجدانها زیر و رو می شود یا بر اساس علم خودش حرف می زند که علمشان محدود است، فوقش لیسانس صد تا کتاب خوانده، فوق لیسانس دویست تا خوانده، دکتر سیصد تا خوانده. آیت الله چهارصد تا خوانده، بالاخره از صد تا، تا هزار تا، تا ده هزار تا، با این کتابها که آدم باسواد نمی شود. آنقدر دانستیها زیاد است که ما سادهترین کلمات را نمی دانیم. حالا تازه یک انرژی هسته ای یک قدرتی در طبیعت کشف شده، هر ذره در این عالم انرژی هسته ای است. هر یکی از شما انرژی هسته ای هستید.

۴ - جهانی بزرگ در درون انسانی کوچک:

یک شعری است می گوید که: «أَتَزَعُمُ»، حالا شما عربی هم خوانده اید، یعنی چه؟ یعنی آیا، «زعم»، یعنی گمان، «أَتَزَعُمُ»، یعنی آیا گمان می کنی، «أَنْتَ» یعنی چه؟ «إِنَّكَ» یعنی چه؟ «إِنَّ» یعنی چه؟ «إِنَّكَ» یعنی به درستی که «جرم» یعنی هیكلی هستید، «صغیر» هم معنایش معلوم است، «أَتَزَعُمُ أَنْتَ جَرْمٌ صَغِيرٌ» تو فکر می کنی یک بدن کوچولو هستی؟ تو فکر می کنی همین طور یک آدم شصت کیلویی هستی، یک آدمی هستی که دیپلم بگیری و لیسانس بگیری؟ بیشتر از این نیستی؟ انرژی هسته ای هستی، «و فیک»، «فیک» یعنی چه؟ در تو، «انطوی» تاب خورده، «و فیک النطوی العالم الاکبر» یعنی یک دنیای بزرگ در تو تاب خورده، یعنی کل کره زمین در تو است. تو فکر می کنی شصت کیلو هستی؟ دیپلم هستی؟ خوراک، پوشاک، مسکنی؟ خانه، ماشین، تلفنی؟ تو فکر می کنی یک انسان عادی هستی همین طور از اینهایی که در خیابان و کوچه راه می روند؟

نه، یک جهان هستی، «عالم» یعنی جهان، «عالم اکبر» یعنی یک جهان بسیار بزرگی هستی، خودت خودت را نمی‌شناسی. که کل انسانها یک بمب هستند. خود قرآن می‌گوید من بمب هستم، «لَوْ» یعنی چه؟ «لَوْ» اگر، «أَنْزَلْنَا» یعنی چه؟ «هَذَا الْقُرْآنَ» یعنی چه؟ «لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ»، «جَبَلٍ» یعنی کوه، اگر این قرآن را بر کوه نازل می‌کردیم، کوه تکه تکه می‌شد، یعنی چه؟ یعنی این انرژی هسته‌ای است. خود قرآن این را می‌گوید، این که خواندیم آیه قرآن بود، «لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ» (حشر/ ۲۱) اگر قرآن بر کوه نازل می‌شد تکه تکه می‌شد یعنی چه؟ خود خدا، قرآن می‌گوید «فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ» (اعراف/ ۱۴۳) جبل یعنی کوه، تجلی، خداوند بر کوه تجلی کرد کوه تکه تکه شد. اصلاً خود امام حسین یک انرژی هسته‌ای است. کدام کشور می‌تواند بگوید یا حسین، هفتاد میلیون بریزند در خیابان. با چه پولی؟ با چه زوری؟ با چه بودجه‌ای؟ با چه آئین‌نامه‌ای؟ تمام رئیس‌جمهورها خواسته باشند در کشورشان برای یک روز هفتاد میلیون مردم را مفت و عاشقانه بریزند توی خیابان، هیچ کشوری نمی‌تواند. هیچ کشوری نمی‌تواند. تمام رئیس‌جمهورهای کره زمین، خوب گوش بدهید ببینید چه می‌گویم، تمام رئیس‌جمهورهای کره زمین در یک کنگره جمع شوند بگویند ما یک میتینگ دو میلیونی می‌خواهیم، کجا؟ مکه، آب و هوا، همدیگر را می‌شناسند؟ نه، زبان هم را می‌فهمند؟ نه، جاذبه دارد مکه؟ نه، یک مشت کوه داغ است. می‌خواهی چه به آنها کنی؟ می‌خواهم حاجی‌ها را سرشان را بتراشم، اه، زلفش، بله، می‌خواهم سرشان را تیغ بزنم، دیگر می‌خواهی چه کنی؟ می‌خواهم لختشان کنم، دیگر می‌خواهی چه کار کنی؟ می‌خواهم کفن به آنها بپوشانم، دیگر می‌خواهی چه کنی؟ می‌خواهم روی خاک بخوابانمشان، دیگر می‌خواهی چه کنی؟ می‌خواهم بدونمشان. مرجع تقلید است، باشد، رئیس‌جمهور است، باشد، می‌خواهم لختشان کنم، به آنها کفن بپوشانم، سرشان را هم بتراشم، آنجا بدونمشان. همه رئیس‌جمهورها جمع شوند، بعد هم بگویند نه کارگرهای عادی فقیر، یا کارمندان فلان، یا بازاری‌ها، یا خیابانی‌ها، نه آدمهای عادی نه، پولدارها، سالی دو میلیون پولدارهای دنیا را خدا می‌برد آنجا سرشان را تیغ می‌زند، لختشان می‌کند، کفن به آنها می‌پوشاند، بعد می‌گوید تاب بخورید، به راست راست، به چپ چپ، دو میلیون، فرق می‌کند با یک تیمسار و سرداری که چهار تا دیپلمه را برده به راست راست، به چپ چپ می‌کند، این یک پادگان است این هم با زور، می‌بیند اگر پایان خدمت نداشته باشد نه کار به او می‌دهند، نه زن به او می‌دهند، نه می‌گذارند برود از کشور بیرون، گیر است، یک آدم جوانی که پول ندارد گیر کرده همچین می‌کند که مهم نیست، هنر این است که دو میلیون حاجی پولدار را با زبان خوش، با دل خوش، با پای خودشان با اختیار، با عشق بروند یک جایی بد آب و هوا، لخت شوند، سرشان را تیغ بزنند. این انرژی اتمی

است، «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا» (آل عمران/ ۹۷) همه پولدارها واجب است بروند مکه، می گوید چشم. هیچ کس هم نمی گوید اگر حاجی مکه نرود دلار به او نمی دهیم، خانه به او نمی فروشیم، آزادی آزادی، هر که خودش می خواهد برود. به یک نفر هم نمی گویند چون شما مکه نرفتی پروانه ساختمان به تو نمی دهیم، زن به تو نمی دهیم چون مکه نرفتی، یعنی هیچ جا هم، «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» (بقره/ ۲۵۶) اکراه هم نیست. این انرژی هسته ای است که یک «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ».

۵- کشف علوم جدید در دوران امام زمان علیه السلام:

حالا آغاز امامت امام زمان، حدیث داریم تمام اختراعاتها، اکتشافها، تمام پیشرفت های علمی، تا زمان امام زمان دو بیست و هفتم است، یعنی اگر تمام علم را تقسیم بر ۲۷ کنی، آنچه به دست بشر کشف شده ۲ بیست و هفتم است، بیست و پنج بیست و هفتمش به دست مبارک امام زمان یا در زمان حضرت مهدی علیه السلام کشف می شود، یعنی آقا مثلا می آید می گوید در اینجا همچین ماده ای است. معدن هایی که می گردند کشف کنند، امام زمان می گوید کجاست. آخر ببینید چراغ که خاموش شد، شما اگر یک چراغ قوه، یک میخی، یک قوطی کبریت خواسته باشی، همه آشپزخانه را باید به هم بزنی، اما اگر چراغ خاموش شد آن کدبانوی خانه، پدر خانه یا مادر خانه قشنگ می داند قوطی کبریت کجاست، در تاریکی می رود برمی دارد ولی شما باید دو ساعت بگردی، همه چیز را هم به هم بزنی، آخرش هم معلوم نیست چراغ قوه را پیدا کنی یا نکنی، قوطی کبریت را پیدا کنی یا نکنی. حضرت مهدی علیه السلام چون با علم خدا دارد زندگی می کند، می گوید آقا فلان جا این کار را بکن همچین می شود، این کار را بکن همچین می شود، این کار را بکن همچین می شود. بیست و پنج. آغاز امامت زمان نهم ربیع، امام زمان که می آید چه می شود؟ می گویم می شود؟ ممکن است دنیا بگوید می شود؟ ما می گوئیم بله می شود، چطور؟ برای اینکه بالاخره یکی از فرزندان پیامبر یک سیدی، عالمی آمد مثل امام، یک جمهوری اسلامی راه انداخت، شاه را هم بیرون کرد. اگر یک سید یک طاغوت را بیرون کند، آن سید همه طاغوتها را می تواند بیرون کند، اگر کسی یک اتاق ساخت، آن معمار کل می تواند یک شهرک را هم بسازد. اگر یک بچه یک سطر نوشت پیداست استاد دانشگاه مقاله و کتاب هم می تواند بنویسد. واقعا می شود مستضعفین، چون قرآن می گوید «أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء/ ۱۰۵) یعنی بندگان صالح حکومت را خواهند گرفت. می شود؟ بله، در ایران بالاخره افراد، نمی خواهیم بگوئیم همه مسئولین مملکت آدم خوبی هستند، ولی بالاخره توی مسئولین آدم خوب هم کم نیستند، بالاخره حساب کن اینها آمریکائی نیستند، شوروی نیستند، مسلمان هستند، طاغوتی هم نیستند، مستکبر هم نیستند، اینهایی که می آیند روی کار، حالا از

آن رئیس جمهور آقای رجایی گرفته تا مقام معظم رهبری که رهبر شد، بالاخره اینها که رئیس جمهور شدند یا رده‌های بالا آنهایی که نماینده مجلس شدند، اینها که شورای اسلامی شدند، اینها هیچکدام شرقی نیستند، غربی نیستند، طاغوتی هم نیستند، مستکبر هم نیستند، حالا با سلیقه‌های مختلف، بالاخره از بدنه امت هستند، یا درجه یک هستند یا درجه دو، درجه سه و چهار نیستند، توی آنها هم آدم ناخلف هست که خوب بالاخره در نمایندگان امیرالمؤمنین هم بعضی‌ها خلاف درآمدند، بد نیست بدانید.

۶- انتقام گرفتن مخالفان امام علی علیه السلام از امام حسین علیه السلام:

امیرالمؤمنین چهار پنج سال حکومت کرد، استاندار نصب می‌کرد، بعد می‌آمدند گزارش می‌دادند استاندار برد و خورد، فلان فرماندار، فلان نماینده شما خلاف کرد، حضرت امیر فوری عزل می‌کرد. اینها که عزل می‌شدند عصبانی بودند، اینها می‌رفتند کوفه یک دفتر سیاسی می‌زدند. آنجا حزب و روزنامه و باند درست می‌کردند، آنوقت کربلا که امام حسین آمد، آن دفترهای سیاسی نیرو جمع کردند فرستادند برای کشتن امام حسین. ولذا به امام حسین گفتند امام حسین، ما با تو رفیق هستیم، «بغضاً لایبک» یعنی با بابات بد هستیم، من استاندار بودم، عزل کرد، حالا که عزل کرد من می‌خواهم انتقام عزل را از تو بگیرم. این «بغضاً لایبک» یعنی چه؟ یعنی حالا که بابایت من را برداشت، من هم انتقام می‌کشم. آدم وقتی برای خدا پُست گرفت، وقتی هم رفت کنار، رفت کنار. برای خدا آمدیم، برای خدا هم می‌رویم. اما اگر برای دنیا و هوس خواست پست بگیرد، همین که به او ندهند عقده‌ای می‌شود، عقده‌ای که شد انتقام می‌کشد، می‌گوید حالا که به من پُست ندادید، پس من هم چنین و چنان می‌کنم.

حالا اسمش را نبرم در تلویزیون، یک کسی بود خود را کاندیدا کرده بود اوائل، وقتی که می‌خواست رأی جمع کند می‌گفت ملت قهرمان و شهیدپرور، ملت قهرمان و غیور ایران، خوب انتخابات تمام شد و رأی‌ها را شمردند و دید رأی نیاورد، تا دید رأی نیاورد، بعد از ظهر گفت این توده ناآگاه به فلانی رأی دادند، توده ناآگاه، یعنی ساعت ده قهرمان هستند، عصر توده ناآگاه. این رئیس‌های عقده‌ای که اگر خودش رئیس بود مردم خوب آدمی هستند، اگر رئیس نبود، مردم ناآگاه هستند.

خوب؛ چه دارم می‌گویم؟ آغاز سال ۸۶ این تبرک است که اولین بحث ما در سال ۸۶ بحث امامت باشد. «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، نیاز به امام. عقل ما کوتاه است به دلیل اینکه پشیمان می‌شویم. وجدان ما متغیر است، به دلیل اینکه ساعت به ساعت، روز به روز عوض می‌شود. تربیت ما مثل است، چون تربیت بر اساس وجدان است، وجدان که می‌لرزد تربیت هم می‌لرزد، اگر ساختمان را روی شن بسازی، چون شن روان

است ساختمان هم روان می‌شود، چون من جویری بچه‌ام را تربیت می‌کنم که وجدانم می‌گوید، هر کاری وجدانم می‌گوید خوب است، می‌گویم بچه جان انجام بده، دنیا گیج است، سران تعلیم و تربیت دنیا مانده‌اند که مدرسه محوری یا معلم محوری، قرآن می‌گوید هر دو محوری. هم می‌گوید «قُلْ» محکم به مردم دستور بده، هم می‌گوید «شَاوِرْهُمْ» (آل عمران/ ۱۵۹) با مردم مشورت کن. هم می‌گوید «یا بُنَّی» بچه گوش بده، هم می‌گوید «مَاذَا تَرَى» رأی تو چیست؟ قرآن می‌فرماید «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» کره زمین را بندگان صالح می‌گیرند، می‌شود اگر امام خمینی بنده صالحی بود یک گوشه دنیا را حکومت کرد، اگر مقام معظم رهبری بنده صالحی است یک گوشه‌ای را حکومت کرد، پس پیداست اگر شاگرد کلاس اول و دوم یک سطر نوشتند، پیداست پرفسور و استاد دانشگاه هم می‌توانند کتاب بنویسند. اگر یک بچه خیاط یک چیزی را دوخت، پیداست استاد ماهر خیاط بهتر می‌تواند بدوزد، محال نیست.

۷- نشانه‌های آمادگی مردم برای ظهور امام زمان عجل الله فرجه:

دنیا آمادگی دارد؟ بله، دنیا آمادگی دارد. حالا من نمی‌توانم اسمش را ببرم. بعضی از سران کشورها به بعضی از سران کشور ما گفتند ما شبکه تلویزیونی در اختیاران می‌گذاریم بیائید هر چه می‌خواهید بگوئید، ما هم شرق را چشیدیم هم غرب را، مردم از هر دو خسته شده‌اند. در سازمان ملل حق و تو است، اگر همه کشورها رأی بدهید آمریکا می‌گوید نه، یعنی کل مخ‌ها پوک، در جایی که بناست از حقوق ملت‌ها دفاع شود، یک کشور می‌آید حقوق را از بین می‌برد. اگر در حمای که جای نظافت است، دیدید همه ادرار می‌کنند این پیداست باید در حمام را گل گرفت، چون آنجایی که جای بهداشت است ضد بهداشت است، اگر رفتید در یک بیمارستان دیدید همه دکترها مریض‌اند، این بیمارستان را باید فاتحه‌اش را خواند، چون دکتری که باید باقی مریض‌ها را خوب کند، خود دکترش مریض است. سازمان مللی که می‌خواهد از حقوق بشر دفاع کند، در سازمان ملل حق و تو است. حق و تو یعنی چه؟ یعنی هر چه بگوئید من می‌گویم نه، اه، پس ما بشکه هستیم، شما چی هستید؟ اینها حقوقدان‌ها، همه حقوقدان‌ها بوق هستند. چون من می‌گویم نه، همه رأی‌ها کشک. در مرکزی که باید از حق دفاع شود، بالاخره مردم باید سازمان ملل را ببینند بگویند ول کن بابا، ول کن بابا. باید معنای دمکراسی را ببینید که او که می‌گوید من می‌خواهم دمکراسی باشد، حالا که مردم لبنان، حالا که مردم فلسطین، حالا که مردم عراق با رأی خودشان یک حکومت را می‌گذارند، می‌گویند نه. وقتی مردم از شرق خسته شدند، از غرب خسته شدند، حدیث داریم هر دوره‌ای دو سه روز رئیس می‌شود، هر گروهی یکی دو سه روزی رئیس می‌شوند، مردم مزه ریاست اینها را می‌فهمند، می‌گویند برو بابا، ول کن بابا، وقتی مردم

خسته شدند از این و آن، آن وقت آماده می‌شوند که وقتی حضرت مهدی ظهور کرد با او بیعت کنند. چطور بیعت کنند؟

۸- پیمان بستن با امام زمان علیه السلام در دعای عهد:

در دعای عهد می‌خوانیم «عهداً» اول تعهد، «عهداً» بعد می‌گوید «و عقداً» بعد می‌گوید: «و بیعتاً» اول عهد، یعنی پیمان، با امام زمان پیمان ببندید، بعد از پیمان عقد، عقد یعنی گره، می‌گویند دختر و پسری را عقد کردند یعنی به هم گره زدند، عقد یعنی گره، بعد بیعت، بیعت یعنی تسلیم. پیمان می‌بندیم با امام زمان، این سه جمله در دعای عهد است، در دعای عهد می‌خوانیم حضرت مهدی، ای امام زمان ما با تو عهد می‌بندیم، بالاتر از عهد، با تو گره می‌خوریم، بالاتر از گره، با تو بیعت می‌کنیم که هر جور که تو گفتی ما همانطور باشیم.

او ما را دوست دارد. حدیث دیدم حضرت مهدی فرمود روزی صد بار به شما دعا می‌کنم، خیلی است، ما تازه خوب خوب خوب خوب خوبهایان روزی یکی دو بار می‌گویند «اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ» ترجمه‌اش را بکنم، چون این را مردم ایران می‌خوانند ترجمه‌اش را نمی‌دانند، «اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ» بحث دارد تمام می‌شود، دقیقه آخر است، «اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ» را همه می‌خوانند چون امشب که بحث را بیننده‌ها می‌بینند، اولین روز امامت امام زمان است، این دعای امام زمان هم الان به لطف خدا در بورس است، معنایش را هم خیلی‌ها می‌دانند، من برای آنهایی که نمی‌دانند می‌گویم.

«اللَّهُمَّ» یعنی خدایا، «كُنْ لَوْلِيَّكَ» برای ولی‌ات حضرت مهدی این رقمی باش، چی باش؟ «كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحُجَّةَ بْنِ الْحُسَيْنِ» که اسم امام زمان است، «صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ آبَائِهِ» صلوات تو بر امام زمان و بر پدران امام زمان، اهل بیت علیهم السلام، «كُنْ لَوْلِيَّكَ» ای خدا تو ولی امام زمان باش، یعنی ولایت کن، «وَحَافِظًا» حفظ کن امام زمان را، «وَقَائِدًا وَنَاصِرًا» یعنی رهبری کن حضرت مهدی را «وَنَاصِرًا» نصرت و یاری کن امام زمان را، «وَدَلِيلاً» دلیل، راهنمایی کن، دلیل باش، ای خدا رهبر مهدی باش، ناصر مهدی باش، حافظ مهدی باش، دعا به امام زمان است، «حَتَّىٰ تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ» تا زمین را در اختیارش بگذاری، «وَتُمَتِّعُهُ فِيهَا طَوِيلًا» و در یک مدت طولانی او را از یک حکومت حق و یاران خوبی کامیاب کنی. این دعایی است که با این دعا جلسه را تمام کنیم.

خدایا تو را به آبروی امام زمان سال ۸۶ را بر اسلام و بر مسلمین و بر مردم ایران بسیار سال مبارک، سال سعادت، سال رشد، سال وحدت، سال بندگی، سال عزت، سال قدرت قرار بده. با هم این دعا را بخوانیم، همه اینهایی هم که پای تلویزیون هستند با هم بخوانیم.

«اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ آبَائِهِ، فِي هَذِهِ السَّاعَةِ، وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ، وَلِيًّا وَحَافِظًا، وَقَائِدًا وَنَاصِرًا، وَدَلِيلًا وَعَيْنًا، حَتَّىٰ تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا، وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا».

خدایا یاران امام زمان را یاری و دشمنانش را که قابل هدایت نیستند نابود بفرما. شر هر کسی که برای اسلام و مسلمین و مستضعفین ایجاد شر می کند، توطئه می کند، طراحی می کند، هر شری طراحی می شود بر ضرر اسلام و مسلمین، آن شر را به خود طراح برگردان. تمام برکات مادی و معنوی را بر سر امت اسلامی نازل بفرما.

بار دیگر سال ۸۶ را تبریک می گویم و آغاز امامت امام زمان را هم تبریک می گویم. هر که بچه دار می خواهد شود، مادرهایی که بچه در شکمشان است، تصمیم بگیرند اولین عهد، قرارداد، عقد، بیعت، اولین عهدمان این باشد که خدایا اگر خدا به من پسری داد اسمش را می گذارم مهدی، بگذارید نام مهدی در همه خانه ها باشد، نگویید داداشم مهدی است، پسرعمویم مهدی است، خوب داداش هم تلویزیون دارد، پسرعمویت هم تلفن دارد، پس شما چرا تلویزیون و تلفن می خری؟ چطور در تلفن و تلویزیون نمی گویی پسرعمویم دارد، من نمی خواهم، در همه خانه ها مهدی باشد، این اولین قراری است که ما می توانیم داشته باشیم.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته